

تحلیل جامعه‌شناختی از مقایسه کارآیی در سه نوع نظام بهره‌برداری از مرتع (در استان آذربایجان شرقی)*

منصور وثوقی**

چکیده

در ارتباط با بهره‌برداری از مراتع، سه نوع نظام بهره‌برداری سنتی، طرح‌های مرتع داری و نظام تعاونی وجود دارد که از کارآیی اجتماعی متفاوتی برخوردارند. هدف از انجام این پژوهش سنجش کارآیی اجتماعی هر یک از نظام‌های بهره‌برداری موجود به منظور دستیابی به یک الگوی بهینه است. نتایج حاصله از تحلیل‌های آماری این پژوهش که براساس دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناختی انجام گرفته است، با کارآیی اجتماعی که متشکل از مؤلفه‌های مشارکت اعضاء، پایداری گروهی، سازگاری شغلی و رفاه اجتماعی در ارتباط است. خلاصه نتایج آزمون میان کارآیی اجتماعی و نوع نظام بهره‌برداری حاکی از معنی‌دار بودن روابط در سطح بالای ۰/۹۹۵ است. نمره کارآیی در واحدهای تعاونی بالاتر از طرح‌های مرتع داری و در هر دو بالاتر از واحدهای سنتی است و روند آن از سنتی به تعاونی حالتی فزاینده داشته است.

واژگان کلیدی: کارآیی اجتماعی، نظام بهره‌برداری سنتی، نظام بهره‌برداری مبتنی بر طرح‌های مرتع داری، تعاونی‌های مرتع داری، مشارکت سازمانی، پایداری گروهی سازگاری شغلی، رفاه اجتماعی.

*. این مقاله برگرفته شده از طرح تحقیقاتی گسترده‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی ابعاد نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استان آذربایجان شرقی و کردستان» است که از جانب مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، به سفارش و با همکاری سازمان جنگلها و مراتع کشور در سال ۱۳۷۹ انجام گرفته است.

مقدمه

مطالعات گسترده‌ای توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و با همکاری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور تحت عنوان بررسی اجتماعی، اقتصادی و فنی طرح‌های مرتع داری در استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۷۴ و نیز بررسی جنبه‌های اجتماعی مرتبط با حفظ یکپارچگی و یکپارچه‌سازی طرح‌های مرتع داری در دو استان فوق‌الذکر در سال ۱۳۷۶ انجام گرفت. مطالعه دیگری نیز تحت عنوان بررسی تطبیقی ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فنی نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استانهای آذربایجان شرقی و کردستان در سال ۱۳۷۹ به انجام رسید. در مطالعه اخیر با توجه به وجود سه نوع نظام بهره‌برداری سنتی، طرح‌های مرتع داری و نظام تعاونی، هدف اساسی سنجش و میزان کارایی و بعبارت دیگر بررسی تطبیقی ابعاد مختلف هر یک از سه نظام فوق‌الذکر بوده است. این بررسی مباحث مختلفی از قبیل ابعاد فنی، روانشناختی، اقتصادی، ترویجی و اجتماعی را شامل می‌شود که در اینجا ابعاد جامعه‌شناختی بررسی مذکور مورد تأکید ماست.

بنابراین هدف اصلی این پژوهش شناخت ابعاد اجتماعی مؤثر در استقرار یک نظام مناسب بهره‌برداری از مراتع در استان آذربایجان شرقی است بصورتی که با تأکید بر برخی از عوامل اجتماعی، جمعیتی و نقاط قوت و ضعف نظام‌های بهره‌برداری موجود در این منطقه بتوان به شناخت نظام مطلوب دست یافت.

اشاره‌ای به جامعه مورد مطالعه

منطقه آذربایجان شرقی از قدیم‌الایام یکی از قطب‌های تولید فراآورده‌های دامی و بنابراین از مناطق مناسب پرورش دام و دامداری بوده و هم‌اکنون نیز این شرایط را حفظ نموده است. تداوم ساختار عشایری و بهره‌برداری از مراتع سردسیر ارتفاعات سهند و سبلان در فصل تابستان از یک سو و بهره‌برداری از اراضی پرآب روستاهای بزرگ و کوچک استان از سوی دیگر، نشانگر وجود و تداوم توأمان نظام شبانی و روستائی است. مساحت منابع طبیعی استان آذربایجان شرقی برابر با ۲۵۴۰۲۵۲ هکتار است که از این مقدار ۲۳۹۶۴۵۰ هکتار مرتع و ۱۴۴۰۷۵ هکتار را جنگل تشکیل می‌دهد. مراتع این استان در مجموع حدود ۲/۵ درصد کل

مراتع کشور و ۵۱ درصد از وسعت استان را دربرگرفته است. از لحاظ نوع مراتع موجود، طبقه‌بندی آنها را می‌توان بصورت زیر نمایش داد:

الف) مراتع عالی و خوب (پوشش گیاهی بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد): ۲۴ درصد

ب) مراتع متوسط (پوشش گیاهی بین ۳۵ تا ۵۰ درصد): ۵۵ درصد

ج) مراتع ضعیف (پوشش گیاهی بین ۱۵ تا ۳۵ درصد): ۲۱ درصد

تعداد دام موجود در سطح استان در زمان انجام این پژوهش، ۸۶۲۷۸۸۹ واحد برآورد گردیده است که در مجموع متعلق به ۲۷۰۸۸۵ خانوار بوده است و در همین زمان طبقه‌بندی نظام‌های بهره‌برداری سه گانه از مرتع به قرار زیر، بر اساس پتانسیل، موجود بوده است:

۱. نظام بهره‌برداری سنتی: در نظام سنتی (عرفی) مراتع به دو صورت مورد بهره‌برداری روستائیان و عشایر قرار می‌گیرد: الف) مراتع حریم (محدوده‌های روستائی): در مراتع اطراف روستاها در منطقه مورد مطالعه غالباً می‌توان دو نوع تملک و یا حق انتفاع از مراتع را مشاهده نمود: ۱) مراتع مشترک بین روستائیان، عشایر: این مراتع بعضاً بصورت مفروز و غالباً بصورت مشاع مورد بهره‌برداری روستائیان و عشایر قرار می‌گیرند. در این گونه مراتع یوردهای جداگانه خاصی برای عشایر و روستائیان وجود دارد ولی در عین حال بین این دو شیوه معیشت از گذشته کشمکش‌هایی وجود داشته است. ۲) مراتعی که کلاً در اختیار روستائیان قرار دارد ضمن آنکه در این مراتع محدوده‌های معینی نیز برای گروه‌های خانوادگی یا قومی وجود دارد که یادآور ساختار عشایری آنها است. در حال حاضر برای اکثر این مناطق پروانه مرتعداری (یا چرای دام) صادر شده است. ب) مراتع مورد تصرف و استفاده عشایر: این مراتع که بصورت مراتع ییلاقی و قشلاقی مورد استفاده دامها قرار می‌گیرد، بیشتر در منطقه سهند و سبلان و ارتفاعات ارسباران و دشت مغان قرار دارد. در این مراتع، برای دامداران عشایری مشخصاً پروانه چرای دام از جانب سازمان جنگلها و مراتع صادر شده است و هر چند که مالکیت آنها به دولت تعلق دارد ولی حق انتفاع آن رسماً برای عشایر به رسمیت شناخته شده است.

۲. نظام مبتنی بر طرح‌های مرتع داری: تهیه و اجرای طرح‌های مرتع داری بعنوان یک برنامه مدون مدیریتی پس از صدور پروانه چرای دام و مشخص شدن حق بهره‌برداری (انتفاع) از مراتع به مرحله اجرا درآمد. در اجرای این برنامه، محدوده‌های عرفی در قالب قراردادهای ۳۰ ساله به صاحبان حق انتفاع واگذار گردیده است. از مشخصات بارز این طرح‌ها مطالعه و برنامه‌ریزی مجموع منابع طبیعی موجود در محدوده هر طرح در فرایند توسعه پایدار است به نحوی که ضمن فراهم کردن امکان حفاظت و احیای مراتع، شرایط بهره‌برداری مستمر از این منابع فراهم گردد و حقوق انتفاع دامداران صاحب نسق تثبیت شود. در حال حاضر از مجموع طرح‌های مرتع داری در دست اجرا دو استان آذربایجان شرقی ۷۰ درصد عشایری و ۳۰ درصد روستائی است. مساحت متوسط هر طرح ۱۳۱۱ هکتار و تعداد دام مجاز هر یک از آنها ۸۵۵ واحد دامی برآورد شده است.

۳. نظام بهره‌برداری از مرتع به صورت تعاونی: این تعاونی‌ها بعد از انقلاب بصورت مستقل از تعاونیهای روستائی مورد توجه واقع شد و در جامعه مورد مطالعه (استان آذربایجان شرقی) تا پایان سال ۱۳۷۷، جمعاً ۸ شرکت تعاونی مرتع داری به وسعت ۱۴۳۸۴ هکتار و متوسط ۱۷۹۸ هکتار برای هر شرکت و ۷۰/۵ هکتار برای هر فرد تشکیل شده است. این تعاونی‌ها در ابتدا غالباً بصورت طرح‌های مرتع داری بوده و در واقع از بهم پیوستن چند طرح مرتع داری بوجود آمده‌اند.

با توجه به وجود سه نوع نظام بهره‌برداری از مراتع در جامعه مورد مطالعه، و با توجه به روند و گرایش موجود در ارتباط با تبدیل طرح‌های مرتع داری به واحدهای تعاونی از طریق تجمع آنها، سؤال اساسی ما این است که کدامیک از نظامهای بهره‌برداری از درجه کارآیی بالاتری برخوردار است؟ و مشارکت سازمانی، پایداری گروهی، سازگاری شغلی و رفاه اجتماعی در هر یک از نظامهای موجود چگونه است؟

چارچوب نظری

واقعیات مورد مطالعه در این پژوهش را می‌توان با دیدگاههای نظری بشرح زیر منطبق نمود:

الف) تئوری رفتارگرایی اسکینری در قالب جامعه‌شناسی رفتاری^۱.
 ب) تئوری مبادله^۲.

پیشینه رفتارگرایی در جامعه‌شناسی را بایستی در کارهای اسکینر^۳ (۱۹۷۱) یافت. نقطه عزیمت تئوری اسکینر بر این اصل استوار است که رفتار (اعم از رفتار حیوانی یا رفتار انسانی) با توجه به نتایج آن شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد. اعمالی که از ارگانیزم سر می‌زند متأثر از محیط است و این تأثیرات به صورت محرک و انگیزه دوباره ارگانیزم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حال اگر رفتاری، عوامل تقویت‌کننده مثبت یا منفی را بدنبال داشته باشد، احتمال تکرار آن بیشتر خواهد شد. وی پس از سالها پژوهش درباره رفتار حیوان و انسان آثار "عوامل تقویت‌کننده" را در شکل‌گیری رفتاری استنتاج نموده است (توسلی ۱۳۶۹، ص ۳۸۲). یکی از مفاهیم بنیادی جامعه‌شناسی رفتاری محرک یا همان چیزی است که می‌توان آنرا پاداش نامید. بر اساس نظر بالدوین (۱۹۸۶)، تقویت‌کننده‌ها می‌توانند مثبت یا منفی باشند و آدمها معمولاً از طریق تقویت مثبت آموزش می‌گیرند، زیرا تقویت مثبت پیامدها و تجربه‌های خوشایند را در زندگیشان افزایش می‌دهد.

"جینیس بالدوین" و "جان بالدوین" از شکل‌گیری منظم رفتار یا تعدیل رفتار سخن گفته‌اند و در تعریف این پدیده می‌گویند: «شکل‌گیری منظم رفتار مستلزم دگرگونی رفتار در جهت برداشتن گامهای متوالی به سوی یک هدف از پیش تعیین شده است. در هر گام، رفتاری که بیشتر از همه در جهت نزدیکی به اجرای نهائی باشد، تقویت می‌گردد.» (بالدوین ۱۹۸۶).

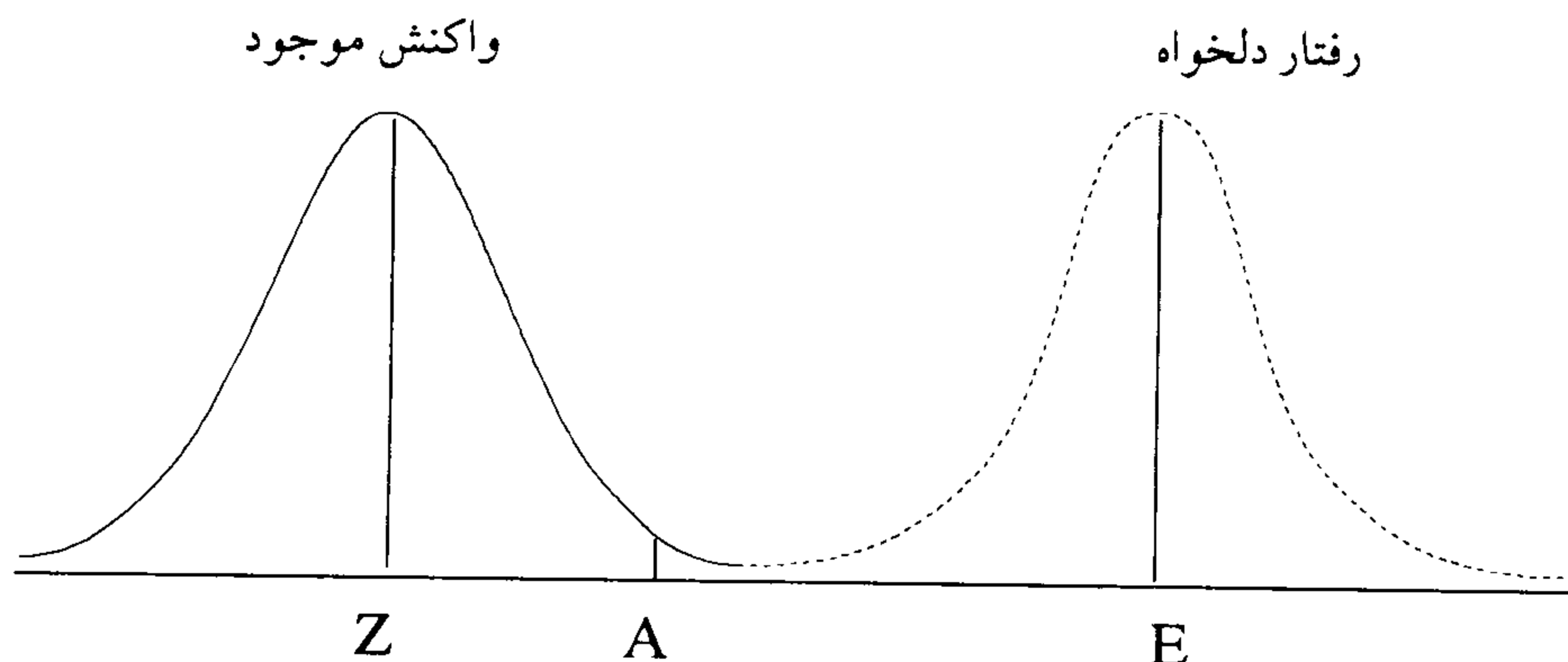
فرایند این تعدیل رفتاری به گونه‌ی زیر است: از آنجا که پاداش معینی را در اختیار داریم، می‌توانیم رفتار Z را در یک شخص برانگیزیم. ضمن برانگیختن رفتار Z، رفتارهای همانند همچون A نیز بر می‌انگیزیم، فرض بر این است که رفتاری را که واقعاً می‌خواهیم برانگیزیم رفتار E است. در این صورت برای وادار کردن سوژه به رفتار E، نخست با برانگیختن تکراری رفتار A آغاز می‌کنیم که هم اکنون در مدیریت واکنش‌های برانگیخته ما قرار دارد. با برانگیختن تکراری رفتار که A، کانون منحنی خود را به سوی A حرکت می‌دهیم و رفتارها را به رفتار E همان رفتار دلخواه در میان ما است نزدیکتر می‌سازیم و سرانجام رفتار E بر می‌انگیزیم. این فراگرد را می‌توان بصورت تصاویر زیر نمایش داد:

1. behavioral sociology

2. exchange theory

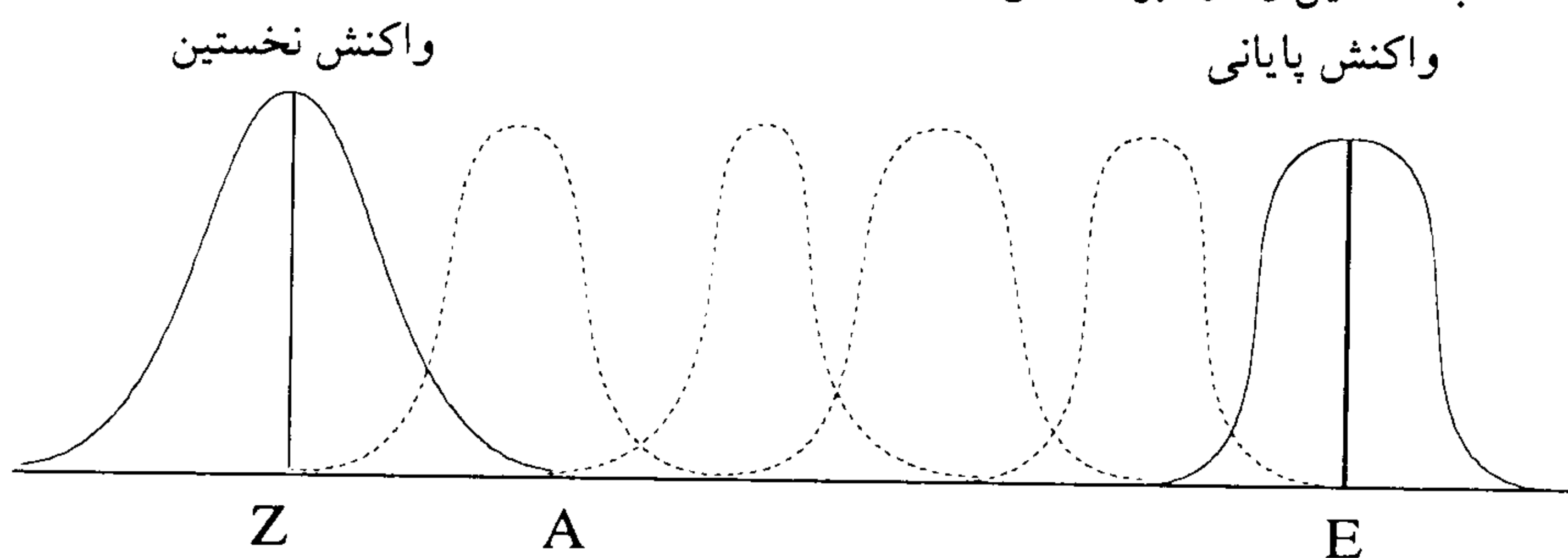
3. Skinner

الف: تعدیل رفتار - رفتار موجود و رفتار دلخواه



اقتباس از دان بوشل و رابرت برجس، «برخی از اصول بنیادی رفتار» در کتاب جامعه‌شناسی رفتاری، به نقل از کتاب نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. جورج ریتزر و ترجمه محسن ثلاثی ص ۴۱۲.

ب - تعدیل رفتار - برانگیختن رفتار دلخواه



اقتباس از دان بوشل و رابرت برجس در برخی از اصول بنیادی رفتار در کتاب جامعه‌شناسی رفتاری به نقل از کتاب نظریه‌های جامعه‌شناسی جورج ریتزر ترجمه محسن ثلاثی ص ۴۱۳.

دیدگاه نظری دیگری را نیز که می‌توان با واقعیات مورد مطالعه در این پژوهش مطرح نمود دیدگاه مبادله^۱ جورج هومنز است که در کتاب رفتار اجتماعی و صورتهای بنیادی آن (۱۹۷۴) با

الهام از مکتب رفتارگرایی اسکینر بیان نموده است.

"انگیزه" از اصول عمده این دیدگاه، محسوب می‌گردد. بدین معنی که افراد برای خواسته‌ها و اهدافشان، انگیزه‌های خودخواهانه دارند بعبارت دیگر، انگیزه در جهت کسب کالاهای خواستنی، لذت و دسترسی به رضایت خاطر نهفته است. نفع یا سود اصل دیگری است که نظریه مبادله بر آن استوار است. بدین معنی که افراد نمی‌توانند در خلاء به کنش پردازند و اگر رضایت متقابل حاصل نشود هیچ نوع کنش متقابل اجتماعی صورت نخواهد گرفت. هر فرد باید به همان گونه که چیزی می‌گیرد چیزی نیز بدهد. افراد مجبور به این کار هستند زیرا بی‌توجهی یک فرد به فرد دیگر به معنای عدم اعتناء به پاداشهایی است که به او تعلق می‌گیرد. "نظریه عمومی نظم اجتماعی"، اصل سومی است که از اصول دیدگاه مبادله هومنز است. بر اساس آن، افراد با کسانی معاشرت منظم دارند که به یکدیگر چیزی برسانند و بعبارت دیگر ما با کسانی که از آنان انتظار پاداش می‌رود معاشرت می‌کنیم (هومنز ۱۹۷۴).

"پیتر بلاو" درصدد برآمد تا نظریه‌ای را در چارچوب مبادله بوجود آورد که تلفیقی از رفتارگرایی اجتماعی و واقعیت‌گرایی اجتماعی باشد. هدف "بلاو"، تحلیل ساختار اجتماعی بر پایه تحلیل فراگردهای اجتماعی حاکم بر روابط میان اعضای گروه‌هاست (ادیبی ۱۳۵۸). سؤال اساسی این است که چگونه زندگی اجتماعی در قالب ساختارهای بیش از پیش پیچیده همگروهی میان انسانها سازمان می‌یابد. در سطح فردی "هومنز" و "بلاو" به فراگردهای مشابهی علاقمند هستند اما مفهوم دگرگونی اجتماعی بلاو محدود به کنش‌های مشروط است و بستگی به واکنش‌های پاداش‌دهنده دیگران دارد. یعنی در حقیقت کنش‌هایی که واکنش‌های مورد انتظار در پی نداشته باشند، متوقف می‌شوند. بدین معنی که انسانها به دلایل گوناگونی که آنها را به همگروهی اجتماعی سوق می‌دهند، جذب یکدیگر می‌شوند. همین که نخستین پیوند ما برقرار شوند، پاداشهای متقابلی که این پیوندها برای اعضای گروه به ارمغان می‌آورند باعث نگهداشت و تقویت آنها می‌شوند. وضعیت عکس این قضیه نیز امکان‌پذیر است یعنی با پاداشهای ناکافی، رشته همگروهی سست یا از هم گسیخته می‌شود (ریتزر ۱۳۷۷، ص ۴۳۵). از طرف دیگر انسانها هرگاه احساس می‌کنند که روابط یک گروه پاداشهایی بیشتر از روابط گروههای دیگر به آنها عرضه می‌دارد، جذب آن گروه می‌شوند.

با توجه به دیدگاههای فوق اعم از رفتارگرایی اسکینر و دیگران، دیدگاه مبادله (هومنز و پیتر بلاو) باین نکته مهم رهنمون می‌شویم که انگیزه اساسی کارگروهی و انسجام آن در گرو

پادشاهی است که فرد یا گروه دریافت می‌دارد. صرفنظر از انتقادهائی که به لحاظ ارزشهای معنوی و انسانی متوجه این دیدگاهها است، اما در واقع روابط مشروط بر پاداش، واقعیتی است که نمی‌توان بدان بی‌توجه بود.

روش تحقیق

در این پژوهش ما از روشهای پیمایشی، اسناد و مدارک و نیز روش مشاهده مشارکتی بشرح زیر سود جستیم: (۱) روش پیمایشی^۱: بمنظور ارائه تصویری از ویژگیهای اجتماعی جامعه مورد مطالعه و نیز بدلیل وسعت و گستردگی جمعیت مورد مطالعه و لزوم تحدید جامعه از طریق نمونه‌گیری و استفاده از دو پرسشنامه ویژه یکی تحت عنوان پرسشنامه اجتماعی خانوار و دیگری در جهت بررسی تطبیقی کارآیی اجتماعی نظامهای سه‌گانه بهره‌برداری از مراتع، تحت عنوان سؤالات تخصصی جامعه‌شناسی از روش پیمایشی استفاده گردیده است. توضیح آنکه از طریق پرسشنامه اجتماعی خانوار ویژگیهای خانوارهای عضو واحدهای بهره‌برداری سنتی، طرحهای مرتع درای و تعاونی مورد سؤال قرار گرفته و با کمک پرسشنامه تخصصی جامعه‌شناسی، گویه‌های مربوط به مؤلفه‌های کارآیی اجتماعی (رفاه اجتماعی، سازگاری شغلی، پایداری گروهی و مشارکت اجتماعی) مورد سؤال قرار گرفته‌اند. (۲) روش اسناد و مدارک: در بررسی مباحث مرتبط با تعاریف و مفاهیم و همچنین سوابق ویژگیها و مشخصات طرحهای مورد مطالعه پیشین، برخی از اصول و مقررات و ضوابط واگذاری مرتع، از روش اسنادی استفاده شده است. در این پژوهش همچنین از مشاهده مشارکتی استفاده کردیم. براساس فیش‌های اطلاعات کیفی جمع‌آوری شده توسط محقق در ارتباط با زندگی روزمره و مناسبات اجتماعی مردم جامعه مورد مطالعه، مالکیت و حق انتفاع از مراتع پس از طبقه‌بندی شدن بر اساس موضوع، در تحلیل‌های نهایی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در این بررسی جامعه‌ی آماری شامل تمام بهره‌برداریهای مرتعی در آذربایجان شرقی می‌شود. به عبارت دیگر جامعه‌ی مورد بررسی شامل انواع نظامهای بهره‌برداری در قلمروهای عشایری و روستائی در مراتع این استان در سال ۱۳۷۸ است که بصورت سنتی، تعاونی مشاع

مرتعداری و طرحهای مرتع داری وجود داشته‌اند. بعلاوه در نظام سنتی، بهره‌برداران دارای حق پروانه‌ی چرا و بدون پروانه‌ی چرا جداگانه مورد نظر بوده‌اند. در این استان در سال ۱۳۷۸، جمعاً ۲۷۶۷ واحد بهره‌برداری اعم از سنتی، طرحهای مرتع داری، و تعاونی مرتعداری فعال بوده‌اند که از این تعداد ۲۱۷۵ واحد بهره‌برداری بصورت سنتی، ۵۸۵ واحد بهره‌برداری در قالب طرح‌های مرتعداری و ۷ واحد بهره‌برداری نیز بشکل تعاونی مرتع داری فعالیت داشته‌اند (در مجموع ۵۹۲ واحد مرتع داری و تعاونی).

با استفاده از فرمول کوکران^۱ حجم نمونه‌ای برابر با (M = ۵۱) برای طرح‌های مرتع داری و تعاونیهای مرتع داری بدست آمد که با توجه به پایین بودن عدد تعاونیهای مرتع داری فعال در استان که جمعاً شامل ۷ واحد می‌شدند همگی در نمونه لحاظ گردیدند و مابقی به طرحهای مرتع داری اختصاص یافت و چون از همین روش (کوکران) نیز نمونه‌ای به حجم ۴۲ واحد برای واحدهای بهره‌برداری سنتی انتخاب گردید، بنابراین مجموع حجم نمونه ما در این پژوهش به ۹۳ واحد بالغ گردید (۴۴ + ۷ + ۴۲ = ۹۳).

خانوارهای نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، شامل ۱۸۶ خانوار است که از این تعداد ۴۵ درصد در واحدهای بهره‌برداری سنتی (۲۸/۵ درصد دارای پروانه و ۱۶/۵ درصد فاقد پروانه)، ۴۸/۵ درصد در طرحهای مرتع داری و ۶/۵ درصد در تعاونیهای مرتع داری عضویت داشته‌اند و در ارتباط با نوع الگوی زیست ۳۳/۳ درصد از این خانوارها بصورت کوچنده، ۲۹ درصد بصورت نیمه کوچنده و ۳۷/۷ درصد نیز یکجانشین بوده‌اند.

شاخص‌های جامعه‌شناختی پژوهش

در این پژوهش به منظور امکان‌پذیر ساختن مقایسه انواع سه‌گانه واحدهای بهره‌برداری از مراتع، شاخصی بنام نمره کارایی اجتماعی واحدهای بهره‌برداری از مرتع تعریف شده است. بر اساس این تعریف کارایی اجتماعی^۲ به معنای مجموعه دستاوردها، نتایج و عملکردهای بهره‌برداری از مرتع در بعد اجتماعی و رفاهی برحسب نوع تشکّل و سازمان‌یابی است. به منظور اندازه‌گیری این مفهوم مرکب و پیچیده، مقیاس چند بُعدی از طریق ترکیب

$$1. M = \frac{Nt2 \cdot P \cdot **}{Nd2 + P \cdot * *t2} = \frac{592 \times 1/962 \times 0/9 \times 0/1}{592 \times 0/0064 + 0/9 \times 0/1 \times 1/962} = \frac{205}{4} = 51$$

2. Social Efficiency

تعدادی شاخص بسیط و مرکب ساخته شده است که هر یک از آنها به نوبه خود برحسب یک یا چند متغیر تعریف شده است. به متغیرهای مذکور برحسب اهمیت و وزن نسبی آنها در زندگی اجتماعی و فعالیت تولیدی و واحد بهره‌برداری نمره‌ای داده شده است که حاصل جمع نمرات استاندارد شده مذکور معادل نمره کارآیی اجتماعی واحد مرتع‌داری به حساب آمده است. توابع کارآیی اجتماعی که در این بررسی مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند، عبارتند از:

۱. سازگاری شغلی

۲. رفاه اجتماعی

۳. مشارکت اجتماعی

۴. پایداری گروهی*

- سازگاری شغلی شامل مجموع متغیرهایی است چون: مهارت شغلی، پیشینه‌ی شغلی، رضایت شغلی، و تناسب ویژگیهای جسمانی با نوع کار.

- رفاه اجتماعی شامل مجموع متغیرهایی است چون: فراخی معاش، استفاده از اوقات فراغت، مالکیت وسایل و تسهیلات رفاهی و تأمین مخارج تحصیل فرزندان ارشد.

- مشارکت اجتماعی شامل متغیرهایی است متشکل از مشارکت در زندگی اجتماعی، مشارکت در سرمایه‌گذاری، مشارکت در تقسیم کار و بالاخره مشارکت در تصمیم‌گیریهای تولیدی.

- پایداری گروهی شامل متغیرهای خویشاوندی اعضا، تجانس قومی اعضا، اشتراک در هدف و انگیزه تولید همیاری و همبستگی‌های متقابل درون‌گروهی و احساس تقابل با گروههای غیرخودی است.

تحلیل نتایج تجربی حاصل از پژوهش

الف) یافته‌های مرتبط با اعضا در نظامهای سه‌گانه: یافته‌های تجربی حاصل از این پژوهش با توجه به سه سطح مورد اشاره مؤلفه‌های چهارگانه کارآیی اجتماعی در ارتباط با اعضا سه نظام بهره‌برداری از مرتع رامی‌توان بصورت جدول زیرنمایش داد:

نوع نظام	سنتی	طرح مرتفع داری	نظام تعاونی	مؤلفه‌های کارآیی اجتماعی	
				پائین	متوسط
درصد	درصد	درصد	درصد		
—	۵۱/۲	۲۸/۹	—	پائین	میزان مشارکت
۴۱/۷	۲۷/۴	۳۴/۴	۴۱/۷	متوسط	
۵۸/۳	۲۱/۴	۲۶/۷	۵۸/۳	بالا	
۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	جمع	
۱۶/۷	۱۵/۵	۱۵/۶	۱۶/۷	پائین	
۲۵/۰	۴۱/۷	۲۵/۵	۲۵/۰	متوسط	
۵۸/۳	۴۲/۸	۴۸/۹	۵۸/۳	بالا	
۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	جمع	
۵۸/۳	۳/۶	۲/۲	۵۸/۳	پائین	میزان پسایداری گروهی
۴۱/۷	۵۴/۸	۴۲/۲	۴۱/۷	متوسط	
—	۴۱/۷	۵۵/۶	—	بالا	
۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	جمع	
۵۸/۳	۶۸/۹	۶۹	۵۸/۳	پایین	
۴۱/۷	۲۸/۹	۲۸/۸	۴۱/۷	متوسط	
—	۲/۲	۲/۲	—	بالا	
۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	جمع	

۱. مقایسه نرخ مشارکت: همانطور که مشاهده می‌گردد، نرخ مشارکت، در بین بیش از ۵۸ درصد از اعضای تعاونی بالا بوده در حالیکه این نسبت در بین اعضای طرحهای مرتع داری ۲۶/۷ درصد و برای اعضای واحدهای سنتی تنها ۲۱/۴ درصد بوده است. موارد مشارکت بین اعضای که در آنها اعضای واحدهای تعاونی گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند در زمینه‌های سرمایه‌گذاری طرحهای عمرانی مثل احداث جاده یا لوله‌کشی، اصلاح و حفاظت از مراتع، تقسیم کار، در امور مرتع‌داری، تصمیم‌گیری در امور تولیدی، انجام گرفته است. یکی از دلایل افزایش این نوع مشارکت را باید در انگیزه دستیابی به تسهیلات اعتباری دولتی جستجو نمود و این در حالی است که مشارکت بیش از ۵۱ درصد از اعضای واحدهای سنتی در سطحی پایین است.
۲. مقایسه نرخ سازگاری شغلی: سازگاری شغلی در این پژوهش بر اساس متغیرهایی چون مهارت حرفه‌ای، علاقمندی و رضایت شغلی، تناسب بین نوع کار و ویژگیهای جسمی اعضای، محاسبه گردیده است. در ارتباط با این شاخص نیز همانند شاخص پیشین، بیش از ۵۸ درصد اعضای تعاونی از نرخ بالایی از سازگاری شغلی برخوردار بوده‌اند در حالیکه این نسبت برای اعضای واحدهای مرتع داری و سنتی به ترتیب نزدیک به ۴۹ و ۴۳ درصد بوده است. به عبارت دیگر این آمار و ارقام مؤید توفیق تعاونیهای مرتع داری در جلب رضایت و در مجموع سازگاری حرفه‌ای اعضای است.
۳. مقایسه نرخ پایداری گروهی: بالاترین نرخ پایداری گروهی که در رابطه است با متغیرهایی چون خویشاوندی اعضای، احساس تقابل با گروههای غیرخودی، تجانس قومی و قبیله‌ای و همیاریهای متقابل درون‌گروهی، مربوط به واحدهای مرتع‌داری بوده است که رقمی بیش از ۵۵ درصد را تشکیل می‌دهد. علت نزول نرخ این شاخص را در واحدهای تعاونی می‌توان به این نکته ربط داد که چون تعاونیها غالباً از ادغام چندین واحد مرتع داری تشکیل می‌شوند، لذا صفاتی از قبیل کنش‌های متقابل، تجانس قومی و قبیله‌ای و احساس تقابل با گروههای غیرخودی در سطح واحدهای مرتع داری متجلی می‌شود که گروهی است غالباً بر اساس ارتباط قبیله‌ای و قومی و نه در تعاونی که یک نهاد اقتصادی - اجتماعی متبنی بر نیازهای مشترک است.
۴. مقایسه نرخ برخورداری از رفاه اجتماعی: برخورداری از رفاه اجتماعی عمدتاً بر

متغیرهای مالکیت، وجود تسهیلات رفاهی، امکان داشتن پس‌انداز، امکان تأمین هزینه تحصیلی فرزندان در شهر استوار است. اعضای تعاونیها از این بابت نیز نسبت به دو گروه دیگر در صدر قرار دارند و همچنانکه در جدول مشاهده می‌شود، نزدیک به ۴۲ درصد از اعضای تعاونیها از لحاظ فراخی معاش و متغیرهای مذکور در فوق، در مقابل حدود ۲۹ درصد اعضای واحدهای سنتی قرار دارند.

ب) سنجش کارایی اجتماعی در نظام‌های سه‌گانه: در این بخش از مقاله با کمک روشهای آماری به آنالیز روابط متغیرهای مربوط به شاخص کارایی اجتماعی نظامهای بهره‌برداری و آزمون فرضیات پرداخته شده است. به منظور آزمون هر یک از فرضیات به آنالیز ضرایب ثبات و تحلیل اعتمادپذیری، آزمون روابط متغیرها و مؤلفه‌های هر یک از متغیرهای مستقل فوق با متغیر وابسته و به عبارت دیگر مؤلفه‌های رفاه اجتماعی، پایداری گروهی، سازگاری اجتماعی، مشارکت اجتماعی و در نهایت کارایی اجتماعی با انواع نظامها مورد سنجش قرار گرفته است.

۱. رابطه بین سطح رفاه اجتماعی و نوع نظام بهره‌برداری: با مقوله‌بندی مقادیر نمره رفاه اجتماعی در سطح رتبه‌بندی به بررسی رابطه بین دو متغیر پرداخته شده است و با توجه به مقادیر آماره‌های حاصله هر چند بین متغیرهای فوق رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد ولی در سطح بالایی از معناداری قرار ندارد. بدین معنی که با استثنای متغیرهای اوقات کار و فعالیت روابط بین سایر متغیرها یعنی شیوه گذران اوقات فراغت، امکان تحصیل فرزندان در شهر، مالکیت تسهیلات رفاهی، فراخی معاش، وضعیت پس‌انداز، نسبت درآمد به هزینه، با نوع نظام بهره‌برداری در سطح بالای معنی‌داری نیست.

۲. رابطه بین سازگاری شغلی و نوع نظام بهره‌برداری: برای اندازه‌گیری این شاخص از متغیرها، علاقه شغلی، مهارت شغلی، سابقه فعالیت تناسب شغلی، علاقه به دآمداری و احساس نیاز به مهارت استفاده شده است. برای آزمون این رابطه مبتنی بر فرضیه (سازگاری شغلی در تعاونیهای مرتعداری بیشتر از طرحهای مرتعداری و در هر دوی آنها بیشتر از واحدهای سنتی بهره‌برداری از مراتع است) نیز عملیات آماری گسترده‌ای انجام شده است و بر اساس نتایج بدست آمده، گرچه سازگاری شغلی در واحدهای بهره‌برداری تعاونی و طرحهای مرتع‌داری از

واحدهای سنتی بیشتر است ولی با توجه به آماره‌های حاصله این رابطه در سطح بالایی از معناداری قرار ندارد.

۳. رابطه بین سطح پایداری گروهی و نوع نظام بهره‌برداری: با توجه به فرضیه سوم (پایداری گروهی در تعاونی‌های مرتع‌داری بالاتر از طرحهای مرتع‌داری و در هر دو آنها بالاتر از واحدهای بهره‌برداری سنتی است)، برای اندازه‌گیری میزان پایداری گروهی ابتدا با به کارگیری معرفهای مناسب، متغیرهای زیر اندازه‌گیری شده‌اند: وضعیت خویشاوندی اعضا، درجه خویشاوندی اعضا، تجانس قومی - قبیله‌ای، میزان تقابل بین گروههای خودی، میزان اشتراک اعضا در هدف و انگیزه تولید، میزان همیاری و همبستگی متقابل درون‌گروهی و چگونگی تقابل با گروههای غیرخودی. نتایج حاصله از آزمونهای آماری را می‌توان به قرار زیر برشمرد:

الف) درجه خویشاوندی اعضا برحسب نوع نظام بهره‌برداری در سطح بالایی متفاوت و معنی‌دار است و درجه خویشاوندی در واحدهای تعاونی و طرحهای مرتعداری بیشتر از واحدهای سنتی است. ب) تجانس قومی و قبیله‌ای برحسب نوع نظام بهره‌برداری در سطح بالایی از تفاوت معنی‌داری قرار دارد. پ) میزان اشتراک در هدف، انگیزه و تولید در نظامهای تعاونی بیشتر از طرح مرتع‌داری و سنتی و در طرحهای مرتع‌داری بیشتر از واحدهای سنتی بوده است و ضرایب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر در سطح بالایی از معنی‌داری قرار داشته است. ت) همیاری و همبستگی در واحدهای تعاونی و طرحهای مرتع‌داری بیشتر از واحدهای سنتی بوده و تفاوت واحدهای بهره‌برداری برحسب میزان همیاری و همبستگی بین اعضا در سطح بالایی از معنی‌داری قرار دارد.

۴. رابطه بین سطح مشارکت اعضا و نوع نظام بهره‌برداری: برای اندازه‌گیری این شاخص، متغیرهای هفتگانه زیر مورد سنجش قرار گرفت: ۱) وضعیت مشارکت در امور رفاهی عمرانی، ۲) نوع و میزان مشارکت در سرمایه‌گذاری (۳) چگونگی تصمیم‌گیری در واحد بهره‌برداری، ۴) وضعیت مشارکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی، ۵) وضعیت مشارکت در تقسیم کار، ۶) نقش در تقسیم کار و ۷) مشارکت در تعیین وظایف سایر اعضا. نتایج حاصل از آزمونهای آماری در این مورد حاکی از آن است که: الف) تفاوت بین نظامهای بهره‌برداری سنتی، طرحهای تعاونی و واحدهای تعاونی برحسب میزان مشارکت اعضا در سطح بالاتر از ۰/۹۹ معنی‌دار است.

ب) همبستگی بین سطح مشارکت و رتبه نظام‌های بهره‌برداری از سنتی به تعاونی مثبت بوده و در سطح بالای ۹۹ درصد معنی‌دار است یعنی میزان مشارکت اعضای شرکتهای تعاونی مرتع داری بیشتر از اعضای طرحهای مرتع داری است و در هر دوی آنها نیز بیشتر از اعضای واحدهای سنتی است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که هر چه از نظام سنتی به سمت نظام تعاونی پیش می‌رویم، متغیرهای نظم و هماهنگی در انجام فعالیت‌های مرتعداری، وقت‌شناسی، همیاری، اشتراک در هدف و انگیزه تولید از ضرایب همبستگی بیشتری برخوردار می‌شوند. بنابراین، از آنجا که اولاً ضریب اعتمادپذیری متغیرهای معرف مشارکت اعضای در سطح بسیار بالایی قرار دارد و ثانیاً رابطه بین دو متغیر بر اساس همه‌ی آزمونهای آماری در سطح بسیار بالائی معنی‌دار است، می‌توان ادعا نمود که فرضیه مشارکت اعضای تأیید می‌شود و علاوه بر این رابطه بین متغیرها و معرف‌های مشارکت اعضای با نوع نظام‌های بهره‌برداری نیز در سطح بالای ۰/۹۹ معنی‌دار است.

۵. آزمون فرضیه کلی (کارآیی اجتماعی در نظام‌های بهره‌برداری تعاونی، بیشتر از طرحهای مرتع داری و در هر دوی آنها بیشتر از واحدهای سنتی است): برای اندازه‌گیری کارآیی اجتماعی واحدهای بهره‌برداری سه نظام بهره‌برداری از مراتع، وزن چهار مؤلفه زیر بعد از آنالیز داده‌ها مشخص گردید. چهار مؤلفه همچنانکه پیش از این نیز اشاره گردید عبارتند از: (۱) پایداری گروهی، (۲) رفاه اجتماعی، (۳) مشارکت و (۴) سازگاری شغلی. و بدین ترتیب نمره نهایی کارآیی اجتماعی تابعی شد از حاصل جمع مؤلفه‌های فوق. در مرحله تحلیل با استفاده از روشهای مناسب اعتمادسنجی، مؤلفه‌های معرف کارآیی اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و پس از حصول آماره‌های نهائی انحراف استاندارد، میانگین، و واریانس و تجزیه و تحلیل واریانس مؤلفه‌های معرف کارآیی اجتماعی، مشخص گردید که این عملیات و آزمونهای آماری، رابطه بین کارآیی اجتماعی و نوع نظام بهره‌برداری از مراتع را در سطوح بالایی از معنی‌داری نشان می‌دهند. نهایت آنکه پس از طبقه‌بندی کارآیی اجتماعی در سه سطح پایین، متوسط و بالا، رابطه آن با نوع نظام بهره‌برداری (سنتی، طرح، تعاونی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

تحلیل نهائی نتایج آماری نشان‌دهنده‌ی آن است که:

(۱) میزان کارآیی اجتماعی در سه نظام متفاوت بوده و این تفاوتها از لحاظ آماری در سطح

بالایی (۰/۹۹) اطمینان مورد پذیرش است.

۲) میزان کارآیی اجتماعی در نظامهای تعاونی بیشتر از نظامهای مبتنی بر طرحهای مرتع‌داری و در هر دوی آنها بیشتر از واحدهای سنتی بوده است و روند آن از سنتی به تعاونی حالتی فزاینده داشته است.

نتیجه

تحول در نظام بهره‌برداری بصورت فرایندی عرضی است که از نظام سنتی آغاز می‌گردد، در نظام طرحهای مرتع‌داری، انسجام ارگانیکی شکل می‌گیرد و در نهایت به نظام تعاونی^۱ ختم می‌شود. تحقق این فرایند (به ویژه عبور از مرحله دوم به مرحله سوم) نیاز به محرکهای پاداش دارد و صرف دادن آموزش حتی در سطوح بسیار پیشرفته و با کارآیی بالا، بدون همراهی با پاداش کنشگران، وافی به مقصود نخواهد بود.

نتیجه‌ای که از مقایسه‌ی سه نظام سنتی، طرحهای مرتع‌داری و تعاونی بدست آمده است، آن است که در ارتباط با شاخص‌های میزان رفاه اجتماعی، مشکلات اقتصادی، ظاهراً تفاوت چندانی بارز با معنی‌داری بالا نسبت به سایر نظامها وجود ندارد. به عنوان مثال بررسی شاخص میزان درآمد و مقایسه آن، در سه نظام نشان می‌دهد که در مجموع اکثریت اعضا مورد مطالعه درآمد خود را کمتر از هزینه ذکر نموده‌اند بطوریکه ۷۷/۷ درصد اعضا طرحهای مرتع‌داری، نزدیک به ۶۸ درصد اعضا واحدهای بهره‌برداری سنتی و نیز نزدیک به ۶۷ درصد اعضا تعاونیها در چنین وضعیتی قرار داشته‌اند و در همین مورد ارقام زیر امکانات رفاهی مربوط به شاخص رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که در ارتباط با استفاده از امکانات مادی نظیر اثاثیه و وسایل زندگی نوعی یکسانی بین اعضا سه نظام مشاهده می‌گردد. از جانب دیگر در ارتباط با پارامترهایی نظیر آسودگی، رفاه و یا مهمترین مشکلات اقتصادی بهره‌برداران، آمار و ارقام خلاف تحول فرایند مفروض پیشین را نمایان می‌سازند. به عنوان مثال اعضا تعاونی و

طرحهای مرتع‌داری در تأمین هزینه‌های خانوار با مشکلات اقتصادی بیشتری روبرو بوده‌اند تا بهره‌برداران سنتی و اما در ارتباط با شاخص سازگاری شغلی، اعضاء واحدهای تعاونی نسبت به مشاغل دیگر تمایل بیشتری نشان داده‌اند تا دامداران سنتی و اعضاء طرحهای مرتع‌داری. بطوریکه در مجموع میزان علاقمندی اعضاء تعاونی نسبت به زراعت در مقایسه با علاقمندی آنان نسبت به دامداری بسیار بیشتر است.

مثالهای فوق و استنباط کلی از مجموع نتایج حاصل از پژوهش ما را به این نکته مهم رهنمون می‌سازد که چنانچه فرایند حرکت عرضی و انتقالی مرحله به مرحله از بهره‌برداری سنتی به تعاونی مدّ نظر برنامه‌ریزان است توجه به مبانی دیدگاه مبادله^۱ و تأکید بر محرک و پاداش به منظور ایجاد تحرک لازم در جامعه دامداران ضروری است. تعاونیها، سازمانهایی اقتصادی‌اند که کارکرد آنان با سازمانهای غیررسمی سنتی که پیش از این در جوامع روستائی و عشایری فعال بوده‌اند، تفاوت‌های ماهوی دارند. بنابراین در عین حالیکه باید اذعان نمود که ذهنیت دامداران هنوز این پدیده‌ی جدید را کاملاً هضم ننموده است، پژوهش ما نشان می‌دهد که این تعاونیها-که بمنظور استفاده بهینه از مرتع و برقراری تعادل دام و مرتع و یکپارچه‌سازی اراضی مرتعی شکل گرفته‌اند- می‌توانند گام مؤثری برای بسترسازی و ایجاد زمینه‌های لازم بمنظور نهادینه کردن تدریجی بهره‌برداری دسته جمعی باشند. به عبارت دیگر از آنجا که گسترش چنین تعاونیهایی نیاز به مشارکت پیچیده‌تری در زندگی جمعی دارند و بدون چنین مشارکتی، انسجام ارگانیکی متحقق نمی‌گردد، علاوه بر آموزش مسئولین و اعضاء، لازم است بر محرک پاداش نیز تأکید گردد.

در توجیه این مطلب "دانیل لرنر" (گی‌روشه ۱۳۸۰، ص ۱۳۴) عقیده دارد که در عبور از مرحله سنتی به مدرن، اعضاء یک سازمان یا جامعه باید قابلیت‌ها و استعدادهای جدیدی را کسب کنند که آنها را به تطابق دادن خود با انواع پیچیده‌تری از مشارکت اجتماعی قادر می‌سازد. از جانب دیگر متقابلاً پیچیده‌تر شدن مشارکت و روابط بین افراد- بدلیل تقسیم کار که از ضروریات و لوازم اساسی سازمانهای جدید است- موجب تحرک عمومی و تعاطی افکار

می‌شود و در نهایت منجر به خلاقیت و ارتقاء سطح اهداف خواهد گردید. این همان وضعیتی است که "دورکیم" از آن تحت عنوان "تراکم اخلاقی" یاد می‌کند. عاملی که در واقع موتور یا نیروی محرکه توسعه جوامع محسوب می‌شود.

مآخذ

- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود (۱۳۵۸)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، انتشارات جامعه.
- ازکیا، مصطفی و دیگران (۱۳۷۹)، *سنتز طرح بررسی تطبیقی ابعاد اجتماعی نظامهای بهره برداری از مراتع استان آذربایجان شرقی و کردستان*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، انتشارات سمت.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۷)، *نظریه‌های معاصر جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- روشه، گی (۱۳۸۰)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه‌ی منصور و ثوقی، تهران، نشر نی.
- و ثوقی، منصور و معین‌الدین، حسن (۱۳۷۴)، *بررسی اجتماعی، اقتصادی و فنی طرح‌های مرتع‌داری در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد*، جلد چهارم مالکیت و حق انتفاع، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- و ثوقی، منصور و دیگران (۱۳۷۹)، *بررسی تطبیقی ابعاد اجتماعی نظامهای بهره برداری از مراتع استان آذربایجان شرقی*، جلد پنجم، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- Homans, Georg (1974) *Social Behavior: Its Elementary Forms*, New York: Harcourt Brace Jo Vanovich.
- Skinner, B.F. (1971) *Beyond Freedom and Dignity*, New York: Knopf.
- Baldwin, John D. and Baldwin Janice z. (1986) *Behavior Principles in everyday Life*, Englewood Cliffs, N.J. Prentice-Hall.